

۲- وضعیت کشاورزی کثرتی سالهای

۶۵-۱۳۵۳

۶- فعالیت های بخش کشاورزی :
.....

در مورد فعالیت های بخش کشاورزی به تولید و سهم آن در مصرف داخلی، صادرات و واردات کشاورزی و موازنه موجود در این زمین و کشورهای طرف قرارداد اکتفا خواهد شد.

۶-۱- تولید و سهم آن در مصرف داخلی و میزان وابستگی به خارج:
.....

از یک طرف با توجه به نقش و اهمیت اقلیمی چون گندم، برنج و گوشت در بین مواد خوراکی مورد مصرف مردم و نقش جو (و علوفه) در تامین غذای دام و طیور و از طرف دیگر حجم مبادلات این اقلام در سطح جهان، که کشورهای صادرکننده این نوع مواد عمدتاً "در استفاده از آنها به عنوان حربه ای جهت تحمیل شرایط سیاسی خود سعی می نمایند تنهایی به بررسی این اقلام اکتفا می گردد. اما قبل از پرداختن به این مسئله، به ارزش افزوده بخش کشاورزی، و روند تولید اشاره خواهد شد.

۶-۱-۱- ارزش افزوده بخش کشاورزی :
.....

ارزش افزوده بخش کشاورزی از ۳۰۳/۹ میلیارد ریال (به قیمت سال ۱۳۵۳) در سال ۱۳۵۴ به ۵۳۵/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۵ افزایش یافت در دوره قبل از انقلاب اسلامی (۱۳۵۴-۵۶) ارزش افزوده بخش کشاورزی به قیمت ثابت بطور متوسط از رشد سالانه، بالغ بر ۵ درصد برخوردار بوده است. در دوره بعد از

انقلاب اسلامی این رشد افزایش یافت و به حدود ۶ درصد بالغ گردید. سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی (به قیمت عوامل) در همین دوره (۱۳۵۴-۵۶) بطور متوسط سالانه ۹/۱ درصد بود، حال آنکه در دوره پیش از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۸-۶۳) این سهم افزایش قابل توجهی یافت و بیش از ۱۳ درصد بالغ گردید. این امر عمده "بدان علت بود که سهم ارزش افزوده بخش نفت در تولید ناخالص داخلی طی این دوره بشدت کاهش یافته بود.

نکته جالب توجه این است که در تمام دوره بعد از انقلاب اسلامی (غیر از سال ۱۳۶۲) کشاورزی تنها بخشی بوده است که ارزش افزوده آن در هر سال رشدی مثبت داشته است. حال آنکه ارزش افزوده بخشهای دیگر اقتصاد رشد منفی نیز نشان داده اند.

در طی دوره ۱۳۵۴-۶۵، ارزش افزوده زراعت در ارزش افزوده گروه کشاورزی به قیمت های ثابت سال ۱۳۵۳ با لاترین سهم را داشته است. بطوری که بیش از ۵۰ درصد از ارزش افزوده گروه کشاورزی، شامل ارزش افزوده زراعت می گردد. بعد از زراعت، دامپروری و شکار بیشترین سهم را در گروه کشاورزی داشته اند. سهم جنگلداری و ماهیگیری در ایجاد ارزش افزوده گروه کشاورزی بسیار اندک است. در حالی که در بعضی از سالهای این دوره، رشد ارزش افزوده این دورشته بسیار چشمگیر می باشد. (جدول شماره ۷)

۱-۲-۶ - روند تولید زراعی :

.....

در طی دوره ۱۳۵۳ - ۶۵ سطح زیرکشت و تولید محصولات عمده زراعی دارای نوساناتی بشرح زیر بوده است :

در طی این دوره سطح زیرکشت گندم هر سال (بجز سال ۱۳۵۵) کاهش یافت. از سال ۱۳۵۸ به بعد (بجز سالهای ۱۳۶۳ و ۱۳۶۲)

سطح زیرکشت‌گندم روبه افزایش نهاد بطوری که در سال ۱۳۶۵، سطح زیرکشت‌گندم به ۶۴۰۹ هزار هکتار رسید و این در حالی بود که سطح زیرکشت‌گندم در سال ۱۳۵۴، ۵۵۶۵ هزار هکتار را شامل می‌گردید. تولید گندم در طی دوره مزبور (۱۳۵۳ - ۶۵) هر سال (به استثنای سالهای ۱۳۵۶، ۱۳۵۹ و ۱۳۶۲) روبه افزایش بوده است. بطوری که تولید از ۵۵۰۷ هزار تن در سال ۱۳۵۴ به ۷۵۵۶ هزار تن در سال ۱۳۶۵ بالغ گردید. در طول این دوره، فقط در سالهای ۱۳۵۶، ۱۳۵۹ و ۱۳۶۲ تولید گندم جهتی نزولی یافت. افزایش تولید گندم در طی دوره ۱۳۵۴ - ۶۵ همچنین نمایانگر بالا رفتن عملکرد (میزان تولید در واحد سطح) از ۹۸۹ کیلو در هر هکتار در سال ۱۳۵۴ به حداکثر ۱۱۷۴ کیلو در هکتار در سال ۱۳۶۵ می‌باشد، که خود ناشی از استفاده از بذور اصلاح شده، کودشیمیایی و بهره‌گیری از زمینهای مرغوبتر برای کشت‌گندم می‌باشد.

سطح زیرکشت‌جو از سال ۱۳۵۳ تا سال ۱۳۵۶ - بانوساناتی - سیری نزولی داشت و از ۱۴۰۴ هزار هکتار در سال ۱۳۵۳ به ۱۲۷۸ هزار هکتار در سال ۱۳۵۶ کاهش یافت. از این سال تا سال ۱۳۶۳ (به استثنای سال ۱۳۵۷) سطح زیرکشت‌روبه افزایش نهاد و در سال ۱۳۶۳ به ۲۱۶۳ هزار هکتار بالغ گردید. در سالهای ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ - ضمن نوسانات - سطح زیرکشت مجدداً " کاهش یافت بطوری که در سال ۱۳۶۵ به ۲۱۴۰ کیلو در هکتار رسید. تولید جو در سال ۱۳۶۵ نسبت به سال ۱۳۵۳ افزایش قابل ملاحظه‌ای نشان داد و از ۸۶۳ هزار تن به ۲۷۶۲ هزار تن رسید. که علت آن بالا رفتن باروری زمین و افزایش سطح زیرکشت بود. عملکرد در هکتار جو در پایان دوره

۱۳۵۴ - ۶۵ به ۱۲۹۱ کیلو رسید که این امر نشان دهنده افزایش بیش از دو برابر، نسبت به شروع دوره مزبور می باشد .

سطح زیرکشت برنج (شلتوک) از سال ۱۳۵۳ تا سال ۱۳۵۶ - با نوساناتی - سیری افزایشی داشت و از ۳۵۳ هزار هکتار در سال ۱۳۵۲ به ۴۰۴ هزار هکتار در سال ۱۳۵۶ رسید . تولید برنج (شلتوک) در طی این دوره - با نوساناتی - روبه افزایش نهاد و از ۱۳۱۳ هزار تن به ۱۳۹۹ هزار تن رسید .

سطح زیرکشت در طی دوره ۱۳۵۸ - ۶۵ - با نوساناتی - به مانند دوره قبل از انقلاب اسلامی افزایش یافت و از ۳۸۱ هزار هکتار در سال ۱۳۵۸ به ۵۵۲ هزار هکتار در سال ۱۳۶۵ رسید به موازات افزایش سطح زیرکشت راندمان تولید در واحد سطح نیز از افزایش چشمگیری برخوردار گردید بطوری که عملکرد از ۳۲۷۶ کیلوگرم در هکتار در سال ۱۳۵۸ به ۳۹۲۵ کیلوگرم در سال ۱۳۶۵ رسید . در این دوره تولید نیز از ۱۲۴۸ هزار تن در سال ۱۳۵۸ به ۲۰۴۹ هزار تن در سال ۱۳۶۵ افزایش یافت .

سطح زیرکشت چغندر در طول دوره بررسی ۱۳۵۳ - ۶۵ - با نوساناتی - روندی افزایشی داشت بطوری که از ۱۵۹ هزار هکتار در سال ۱۳۵۳ به ۱۷۷ هزار هکتار در سال ۱۳۶۵ رسید و تولید نیز به تبع سطح زیرکشت از افزایش قابل توجهی برخوردار گردید - بنحوی که از ۴۱۲۶ هزار تن در سال ۱۳۵۳ به ۴۹۶۵ هزار تن در سال ۱۳۶۵ رسید . در طی این مدت عملکرد در واحد هکتار نیز از رشد چندانی برخوردار نگردید بطوری که در سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران (به استثنای سالهای ۶۱ و ۶۳ و ۶۴ و ۶۵) از

افت شدیدی برخوردار بود.

سطح زیرکشت پنبه در طی دوره مورد بررسی ۱۳۵۳ - ۶۵ - با نوسانات شدید - از سیری نزولی برخوردار گردید و از ۳۶۹ هزار هکتار در سال ۱۳۵۳ به ۱۸۷ هزار هکتار در سال ۱۳۶۵ رسید. سطح تولید نیز علی رغم افزایش راندمان در واحد سطح از افت قابل ملاحظه‌ای برخوردار بود. و از ۷۱۱ هزار تن در سال ۱۳۵۳ به ۲۴۵ هزار تن در سال ۱۳۶۵ بالغ گردید.

سطح زیرکشت حبوبات - علی رغم نوسانات - سیری صعودی داشت و از ۴۷۹ هزار هکتار در سال ۱۳۵۳ به ۴۸۹ هزار هکتار در سال ۱۳۶۵ رسید. همگام با افزایش سطح زیرکشت عملکرد در واحد سطح نیز افزایش یافت و از ۴۳۸ کیلوگرم در سال ۱۳۵۳ به ۷۵۶ کیلوگرم در سال ۱۳۶۵ بالغ گردید. نتیجه افزایش سطح زیرکشت و عملکرد در واحد سطح، افزایش کل تولید را منجر شد بطوری که تولید از ۲۵۰ هزار تن در سال ۱۳۵۳ به ۳۷۰ هزار تن در سال ۱۳۶۵ رسید. (جدول شماره ۸)

۳-۱-۶ - سهم تولیدات مهم کشاورزی در مصرف^(۱) داخلی و میزان

وابستگی به خارج

مصرف‌کنندگانی از سال ۱۳۵۳ تا سال ۱۳۶۵ روندی افزایشی داشته است و از ۶۱۳۴ هزار تن در سال ۱۳۵۳ به ۹۴۶۴ هزار تن در سال ۱۳۶۵ رسیده است. (مصرف‌کنندگانی در سال ۱۳۶۵ نسبت به سال ۱۳۵۳،

(۱): لازم به تذکر است که منظور از مصرف در اینجا، مصرف ظاهری (تولید داخلی + واردات - صادرات) است.

۵۴/۳ درصد افزایش نشان می‌دهد.) بطورکلی میانگین رشد مصرف سالیانه گندم ۳/۶۷ درصد و میانگین رشد سالیانه تولید داخلی ۴/۰۳ درصد می‌باشد که با توجه به میزان افزایش جمعیت (رشد سالیانه ۳/۹ درصد) و محدودیتهایی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران (در اثر محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی) وجود داشت و دسترسی به برنج نیز محدود بود از اینرو، افزایش یا رشد تولید داخلی گندم، متوازن با رشد جمعیت و مصرف نبوده و در نهایت به تشدید روند واردات منجر گردیده است. به عبارت دیگر افزایش مصرف گندم در دوره مذکور - با توجه به افزایش خانوار - قابل انتظار می‌باشد. به هر حال در طی این دوره با وجود افزایش میزان تولید، بر میزان واردات نیز - بانوساناتی - افزوده شد اما علیرغم افزایش واردات از میزان وابستگی کاسته شده است بطوری که از ۲۳/۴ درصد در سال ۱۳۵۳ به ۲۰/۲ درصد در سال ۱۳۶۵ کاهش یافت.

مصرف برنج در طی دوره مورد مطالعه - بانوساناتی - روندی افزایشی داشت و از ۱۰۲۶ هزار تن در سال ۱۳۵۳ به ۱۷۶۰ هزار تن در سال ۱۳۶۵ رسید (مصرف برنج در سال ۱۳۶۵ نسبت به سال ۱۳۵۳ بیش از ۷۱ درصد افزایش یافت).

افزایش مصرف برنج در طی این دوره را می‌توان ناشی از افزایش درآمدهای نفتی در دهه ۵۰، - بویژه از سال ۱۳۵۳ به بعد - و به دنبال آن ارتقاء سطح درآمد خانوارها - بویژه در مناطقی شهری - دانست که در نهایت به تغییرات عمده در الگوی مصرف (غذای مردم) بخصوص در نقاط شهری منجر گردید. علاوه بر این،

عامل افزایش جمعیت کشور نیز در بالا رفتن مصرف نقش بسزایی داشته است. به هر حال این افزایش (افزایش سطح مصرف) با افزایش سطح تولید و نرخ رشد آن (۳/۶۵ درصد) توازن لازم را نداشته (نرخ رشد سالیانه مصرف ۴/۵۹ درصد) و در نتیجه ایسنگرگونی سریع الگوی غذایی مردم، واردات تشدید و روبه فزونی گذاشته است بطوری که میزان وابستگی از ۱۸/۶ درصد در سال ۱۳۵۳ به ۲۷ درصد در سال ۱۳۶۵ رسیده است.

مصرف گوشت قرمز از ۲۶۴/۲ هزار تن در سال ۱۳۵۳ به ۴۷۷/۰ هزار تن در سال ۱۳۶۵ افزایش یافت. (عرضه گوشت قرمز در سال ۱۳۶۵ نسبت به سال ۱۳۵۳ بیش از ۸۰ درصد افزایش پیدا کرده است) علت این افزایش را می توان علاوه بر افزایش جمعیت، ناشی از رویدادها و تحولاتی دانست که از دهه ۵۰ به بعد در ایران بوقوع پیوسته است. به هر حال با اینکه در دوره مذکور گوشت مصرفی حاصل از کشتار رسمی دام منابع داخلی - با نوساناتی - روندی افزایشی داشته و نرخ رشد متوسط سالیانه ۲/۷۱ درصد) است لکن این روند با افزایش سطح مصرف و نرخ رشد آن (۵/۰۴ درصد) توازن لازم را نداشته و بناچار به تشدید نسبت روزافزون واردات منجر گردیده است. بدین ترتیب میزان وابستگی از ۱۷/۶ درصد در سال ۱۳۵۳ به ۳۷/۱ درصد در سال ۱۳۶۵ بالغ گردید.

مصرف گوشت سفید با کاهش و کمبود گوشت قرمز در دهه ۵۰، و تولید انبوه صنعتی آن وارد جیره غذایی مردم کشور مآشد و بدین ترتیب بخشی از پروتئین مورد نیاز جامعه از این طریق تامین گردید. مصرف گوشت سفید (مرغ)، علی رغم وجود نوسانات،

روندی صعودی داشت و از ۲۰۵ هزار تن در سال ۱۳۵۴ به ۳۳۳ هزار تن در سال ۱۳۶۵ رسید. (مصرف گوشت مرغ در سال ۱۳۶۵ نسبت به سال ۱۳۵۴ بیش از ۶۲ درصد افزایش یافت). با اینکه همگام با افزایش مصرف، تولید داخلی آن نیز افزایش یافت. لکن به علل مختلف از جمله عدم استفاده از ظرفیت اسمی و بالقوه مرغذاریها (دراثر کمبود خوراک طیور و سایر مشکلات) میزان وابستگی از ۸/۸ درصد در سال ۱۳۵۴ به ۹/۷ درصد در سال ۱۳۶۳ افزایش یافت اما در سالهای ۶۴ و ۶۵ نیز به علت محدودیت های ارزی ناشی از کاهش قیمت نفت واردات تنزل یافت بطوری که در سال ۱۳۶۵ مقدار واردات به صفر رسید.

مصرف جو نیز - مانند سایر اقلام ذکر شده - از سال ۱۳۵۳ به بعد روندی افزایش بخود گرفت و از ۱۰۴۱ هزار تن در سال مذکور به ۲۹۱۱ هزار تن در سال ۱۳۶۵ رسید (مصرف آن در سال ۱۳۶۵ نسبت به سال ۱۳۵۳ ۱۷۹ درصد (بالغ بر دوونیم برابر) افزایش یافت) و در نتیجه عدم تکافوی تولید داخلی، میزان وابستگی از ۱۷/۱ درصد در سال ۱۳۵۳ به ۲۳/۱ درصد در سال ۱۳۶۳ رسید. در سالهای ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵، محدودیت های ارزی موجب گردید که واردات کاهش یابد و در نتیجه آن میزان وابستگی به حداقل میزان خود در سطحی دوره مورد مطالعه (۵/۱ درصد) رسید. اما در سال ۱۳۵۳ بر اساس بررسیهای انجام شده از سوی کمیته فنی تعادل مرتع و دام، علوفه حاصل از کشت نباتات علوفه ای، سالانه حدود ۲/۱۵ میلیون T.D.N. (مواد غذایی قابل هضم)، مازاد محصولات کشاورزی و پس چرمزارع ۴/۶۹ میلیون T.D.N.، تفاله نباتات صنعتی ۱۷/۱ میلیون T.D.N.

و ضایعات محصولات کشاورزی برابر ۱/۲۲ میلیون T.D.N. می باشد که مجموعاً " ۸/۲۳ میلیون T.D.N. برآورد می گردد. با افزودن ۴ میلیون T.D.N. علوفه حاصل از مراتع کشور، کل علوفه تولیدی جهت خوراک دام، برابر ۱۲/۲۳ میلیون T.D.N. و یابجه عبارت دیگر حدود ۲۵ میلیون واحد علوفه‌ای در سال می گردد.

در مقابل از ۸۰ میلیون واحد دامی - که حدود ۳۹ میلیون آن به صورت " دامداریهای بسته " و " پرواربندی " اداره می شوند و بقیه متکی به مراتع هستند - سالیانه به ۴۵ میلیون واحد علوفه‌ای، خوراک نیاز دارند که با احتساب کل علوفه تولیدی، سالیانه معادل ۲۰ میلیون واحد علوفه‌ای کسری وجود دارد که از خارج تامین می گردد. بدین ترتیب میزان وابستگی در علوفه، به بیش از ۴۴ درصد می رسد که علت عمده آن را می توان افزایش دام از یک سو و کاهش وسعت مراتع کشور از سوی دیگر دانست. (جدول شماره ۹)

۶-۲ - واردات و صادرات محصولات کشاورزی :

.....

رتال جامع علوم انسانی

بازرگانی خارجی ایران در زمینه محصولات کشاورزی - دامی سالهاست که دچار عدم توازن است. اگرچه قبل از دهه ۴۰ ایران صادرکننده محصولات کشاورزی و دامی بود که تا پیش از افزایش بی رویه صدور نفت، یکی از منابع اصلی تامین ارز در اقتصاد کشور بشمار می رفت و به موازات توسعه صنعت نفت و افزایش صادرات آن، کشاورزی اهمیت خود را نه تنها به عنوان یکی از منابع تامین کننده ارز از دست داد بلکه بتدریج بر حجم واردات محصولات

کشاورزی افزوده شد و از صادرات آن کاسته گردید تا سرانجام به صورت یکی از بزرگترین کشورهای واردکننده محصولات غذایی - در سطح جهان - درآمد بطوری که موازنه مثبت تجاری در بخش کشاورزی از $\frac{1}{3}$ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۸ به $\frac{65}{9}$ میلیارد ریال کسری در سال ۱۳۵۳ و به ۱۱۰ میلیارد ریال کسری در سال ۱۳۵۶ افزایش یافت و سهم این بخش در صادرات غیرنفتی از $\frac{83}{2}$ درصد در سال ۱۳۴۹ به ۴۳ درصد در سال ۱۳۵۳ کاهش یافت. با پیروزی انقلاب اسلامی نیز به دلیل نابرابری رشد تولیدات داخلی و روند افزایش جمعیت و تقاضا از یک طرف و لاینحل ماندن بسیاری از مسائل و مشکلات از جمله: مسئله مالکیت زمین و آب و افزوده شدن مسائل تجاری (دراثر محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی) از طرف دیگر، به ابعاد این عدم توازن افسزوده گردید بطوری که این کسری در سال ۱۳۶۲ به بالاترین میزان خود ($\frac{222}{5}$ میلیارد ریال) رسید. ولی از سال ۱۳۶۳ به بعد به علت مشکلات ارزی و در نتیجه توجه به صادرات محصولات غیرنفتی - موجب گردید که واردات کاهش یابد و در نتیجه کسر موازنه پایین بیاید بطوری که در سال ۱۳۶۵ این کسری به ۶۴ میلیارد ریال رسید که در طول دوره مورد مطالعه حداقل میزان را به خود اختصاص داده است. به هر حال در طول ۴ سال (۱۳۵۳ - ۵۶) ارزش واردات از $\frac{82}{8}$ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۳ به ۱۳۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ افزایش یافت (رشد متوسط سالیانه $\frac{16}{52}$ درصد) و میانگین واردات در این دوره به $\frac{111}{5}$ میلیارد ریال رسید.

واردات در طول دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا سال

۱۳۶۳، (بجز سال ۱۳۵۹) روندی صعودی داشت بطوری که از ۱۳۱/۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۸ به ۲۴۰/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۳ رسید که حداکثر میزان واردات را - از نظر ارزشی - در طی دوره مورد مطالعه نشان می‌دهد. ولی از سال ۱۳۶۳ به بعد واردات کاهش یافت بطوری که در سال ۱۳۶۵ به میزان ۹۲/۶ میلیارد ریال رسید که در نتیجه در این دوره رشد متوسط سالیانه واردات به ۴/۹۰ - درصد بالغ گردید که نسبت به دوره قبل از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۳ - ۵۶) کاهش نسبتاً " زیادی داشته است اما علی‌رغم کاهش رشد متوسط سالیانه میانگین واردات در این دوره به ۱۷۴ میلیارد ریال رسید که نسبت به دوره قبل ۵۶ درصد افزایش نشان می‌دهد.

در طول چهار سال قبل از انقلاب (۱۳۵۳ - ۵۶) همگام با افزایش واردات، صادرات نیز روندی افزایشی یافت و از ۱۶/۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۳ به ۲۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ رسید (در این دوره میانگین صادرات به ۱۹/۷ میلیارد ریال رسید)، که نمایانگر رشد متوسط سالیانه ۷/۵۰ درصد می‌باشد.

صادرات از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۳ - بانوساناتی - کاهش پیدا کرد بطوری که در سالهای شروع محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی از شدت بیشتری برخوردار گردید تا جایی که میزان آن از ۱۹/۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۸ به ۱۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۳ رسید. از سال ۱۳۶۴ مجدداً " صادرات افزایش یافت و در سال ۱۳۶۵ به ۲۸/۶ میلیارد ریال بالغ گردید که حداکثر میزان را در طول دوره مطالعه نشان می‌دهد. در این دوره متوسط سالیانه صادرات ۱۸/۱۷ میلیارد ریال بود که نسبت به دوره قبل از پیروزی

انقلاب اسلامی از حدود ۸ درصد کاهش برخوردار می باشد. حال آنکه رشد متوسط سالیانه صادرات در این دوره به ۵/۵۴ درصد بالغ گردید. - جدول شماره ۱۰، واردات و صادرات، موازنه و سهم کشاورزی در صادرات غیرنفتی را نشان می دهد.

۶-۳ - عمده ترین کشورهای طرف قرارداد با ایران :
.....

ایران تاکنون با بسیاری از کشورهای جهان روابط تجاری داشته است اما تنها تعداد معدودی از آنها هستند که بیشترین سهم را در حجم مبادلات بازرگانی بخود اختصاص داده اند. - جدول شماره ۱۱، تعداد کشورهای که در طی دوره ۱۳۵۳ - ۶۵ در پینج رتبه اول قرار گرفته اند را نشان میدهد.

۶-۳-۱ - در صادرات :
.....

با توجه به جدول (شماره ۱۱) از ترکیب و توزیع جغرافیایی کشورهای واردکننده فرآورده های کشاورزی ملاحظه می گردد که در ترکیب طرفهای تجاری ایران در امر صادرات تغییرات قابل توجهی صورت نگرفته است (البته قابل ذکر است که با کشورهای چگون ایالات متحده امریکا ، فلسطین اشغالی و افریقای جنوبی قطع روابط سیاسی و به تبع آن تجاری صورت گرفته است) لکن عمده طرفهای تجاری ایران را بلوک غرب تشکیل می دهند و شاید علت این امر تنها اجرای سیاستهایی (قبل از پیروزی انقلاب اسلامی) باشد که عمده " سعی می شد به تشدید و توسعه سیاستهای تجاری غرب گرا و

تعقیب این گونه سیاستها پرداخته شود. لذا پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران هم به دلیل حفظ بازارهای صادراتی کشور از یکسو و انتقال دانش فنی و تکنولوژیکی از این کشورها به ایران - که از قبل از انقلاب اسلامی ادامه داشت - از سوی دیگر، این بازارها تا حدودی حفظ گردید. به هر حال در امر بازرگانی خارجی با سیاستهایی را اتخاذ کرد که اساساً " به کاهش میزان وابستگی بیانجامد تا در این راستا به اعتبار ملی و استقلال سیاسی، اقتصادی کشور لطمه‌ای وارد نشود، لذا در تجدید روابط اقتصادی همیشه بایستی محور استقلال سیاسی و اعتبار ملی حفظ گردد و در جهت تحقق این اهداف است که همکاریها و مبادلات، با سایر بلوک و کشورها - بخصوص کشورهای جهان سوم و مسلمان و غیرمتعهد - نیز مورد توجه قرار می‌گیرد تا این همکاریها و مبادلات تعادلی را در توسعه تجاری ایران بوجود آورند.

۲-۳-۶ - در واردات :

=====

با توجه به جدول (شماره ۱۱) از توزیع کشورهای صادرکننده کالا به ایران ملاحظه می‌شود که در ترکیب طرفهای تجاری ایران - علی‌رغم تلاش در گسترش بازار و تعادل بخشیدن به روابط تجاری با کشورهای مختلف جهان - بازم بلوک غرب در صدر کشورهای صادرکننده کالاهای کشاورزی به ایران قرار دارد. و هرچند که با کشورهای چون ایالات متحده آمریکا، افریقای جنوبی و ژاپن اشغالگر قدس روابط سیاسی و اقتصادی قطع شده است با این وجود بقیه کشورهای بلوک غرب جای آنها را گرفته‌اند و این امر حاکی

از آن است که برای تعادل بخشیدن به سیاستهای اتخاذ شده قبل از انقلاب اسلامی - که در تعقیب و توسعه سیاستهای تجاری غرب گرا بود - مدت زمانی طولانی لازم است تا ضمن حفظ اعتبار ملسی و استقلال سیاسی ، فرهنگی و اقتصادی و با حفظ بازارهای تجاری ، توسعه و گسترش مبادلات با سایر بلوک و کشورها - بخصوص جهان سوم ، مسلمان و غیرمتعهد - راه اصولی خود را باز کند و بدین ترتیب کشور از وابستگی تام به یک بلوک رهایی یابد .

۷ - نتیجه گیری و پیشنهادات :

XX

با توجه به بحثهای انجام شده ، می توان گفت که بخش کشاورزی در طی سالهای ۱۳۵۳ - ۶۵ با مسائل عمده ای روبرو بوده و از تحرک اساسی و قابل توجهی - که بتواند این بخش از فعالیتهای اقتصادی را تکان داده و به شکوفایی بقیه بخشهای اقتصادی کمک نماید - نسبتاً " بی بهره بوده است به عبارت دیگر وضعیت بخش کشاورزی در اقتصاد کشور بنحوی است که علی رغم اینکه حدود ۵ درصد از جمعیت کشور در روستاها ساکن بوده و ۳۵ درصد از کل جمعیت شاغل در این بخش فعالیت می کنند ، بازده آن به صورت تولیدات کشاورزی بسیار پایین بوده بطوری که بازتاب این مسئله در تولید سرانه محصولات کشاورزی کاملاً منعکس است و در مقایسه با تولید سرانه در کشورهای پیشرفته به مراتب پایینتر می باشد که این امر عمده " به علت بازدهی پایین زمین ، سرمایه ، کار و ... در این بخش است و با وجود کوششهایی که در جهت حل مسائل و مشکلات

کشاورزی در طی سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی انجام گرفته است بازهم تولیدات کشاورزی نتوانسته است هماهنگ با رشد سریع تقاضا حرکت نماید و از این رو نه تنها در کل اقتصاد ایران بلکه بویژه در این بخش وابستگی همچنان ادامه پیدا کرده و اتکاب واردات مواد غذایی بیشتر شده است و فقر و محرومیت قشر وسیعی از کشاورزان و روستائیان همراه با عقب ماندگی این بخش و فقدان امکانات و تسهیلات اولیه زندگی در غالب روستاها، مهاجرت از روستا به شهر را اجتناب ناپذیر ساخته است. به هر حال مشکلات اساسی این بخش را - که خود در عدم رشد و شکوفایی و تحرک آن موثر بوده - می توان بطور خلاصه چنین بیان کرد:

۱- نارسائیهای مستمر در نظام تشکیلات کشاورزی کشور

۲- نارسائیهای موجود در زمینه قانونگذاری

۳- عدم تدوین استراتژی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور

۴- سایر نارسائیهای و مشکلات:

۱-۴- عدم وجود امنیت قضایی

۲-۴- عدم سرمایه گذاری های لازم جهت انجام امور تحقیقات کشاورزی

۳-۴- عدم بهره برداری کامل و عملی از منابع آب قابل حصول

۴-۴- مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی و تحریم اقتصادی و ...

با توجه به مطالب فوق می توان گفت که ایران، با دارا بودن منابع طبیعی کافی (آب، خاک، اقلیم مناسب و شرایط لازم دیگر بویژه دسترسی به منابع انرژی در مقایسه با جمعیت فعلی و نیازهای موجود) می تواند با انتخاب صحیح استراتژی توسعه

اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی ، و رفع مشکلاتی چون تغییر ساختار تشکیلات کشاورزی فعلی ، عوامل تولید (زمین ، آب ، بذر ، سرمایه و...) و رفع نارسائیهای قانونی ، به مرحله خودکفایی دست یابد. از این رو دولت با توجه به وظایفی که قانون اساسی برعهده او گذاشته است لازم است تا برای رسیدن به اهداف قانون اساسی نکات زیر را مورد توجه و در رأس برنامه‌های خود قرار دهد.

- ۱- حل مسائل و مشکلات مربوط به مالکیت آب ، زمین و عوامل تولید به منظور بهره‌برداری شایسته از امکانات مزبور و گسترش تعاونیها از طریق یکپارچه کردن زمینها
- ۲- حفظ منابع طبیعی (جنگل ، مرتع ، خاک) از تجاوز و اجرای طرحهای احیاء ، اصلاح و بهره‌برداری مطلوب از این منابع ، ایجاد تعادل بین میزان تعلیف دام و ظرفیت تولیدی و مراتع جهت حفظ ، بهبود ، احیاء و توسعه مراتع کشور و نیز اجرای طرحهای آبخیزداری و حفاظت خاک ، تثبیت شنهای روان ، بیابان زدایی و جلوگیری از پیشرفت کویر.

۳- کمک موثر به انجام امور زیربنایی در اراضی تحت کشت آبی و دیم و ارائه خدمات هدایتی و حمایتی به تولیدکنندگان بمنظور افزایش تولیدات کشاورزی در واحد سطح

۴- ترغیب کشاورزان به تلفیق زراعت و دامداری و تشویق آنان به تولید علوفه

۵- بالابردن راندمان تولید در واحد دام و طیور از طریق بهبود سیستمهای پرورش و نگهداری و اصلاح نژاد

۶- بهره‌برداری منطقی از ذخایر آبزیان ، از منابع آبهای دریای شمال و جنوب و استفاده از آبهای داخلی در پرورش و تکثیر و تولید ماهی با تقویت و حمایت

تعاونیهای صیادی

۷- توسعه تحقیقات در تمامی زمینههای کشاورزی و منابع طبیعی و تمرکز اعتبارات و امکانات در این زمینه و نیز برقراری ارتباط نزدیک میان واحدهای اجرایی و تحقیقاتی به منظور افزایش عملکرد و توسعه درواحد سطح ، (اصلاح زراعی) ، اصلاح نژادی و ...

۸- آموزش روستائیان در استفاده هرچه مطلوبتر از امکانات موجود و ترویج روشهای پیشرفته کشاورزی

۹- لزوم کاهش تعداد واسطهها (از تولیدکننده تا مصرفکننده) و اصلاح شبکه توزیع شهر و روستا از طریق گسترش و حمایت تعاونیهای تولید و توزیع در جهت بیشتر سهم نمودن کشاورزان در درآمدهای حاصله از این بخش

۱۰- هماهنگی سیاستهای اتخاذ شده در وزارتخانههای بازرگانی و کشاورزی ، چرا که عواملی چون قیمت ، حجم واردات ، تعرفهها ، تسهیلات و موانع گمرکی ، امکانات صادرات و ... بطور مستقیم و یا غیرمستقیم بر میزان تولید اثر دارند ، که اثرات این امر در نهایت در قیمت محصولات و سطح زیرکشت و درآمد کشاورزان غیرقابل انکار است .

۱۱- ایجاد انبار و سردخانههای کوچک در مناطق روستایی - با توجه به پراکندگی روستا - جهت جلوگیری از ضایعات محصولات

۱۲- ایجاد ، گسترش ، و حمایت از صنایع وابسته بخش کشاورزی در مناطق روستایی

۱۳- توجه بیشتر به ایجاد جادههای رابط ، بین مناطق روستایی و شهری ، در جهت دسترسی بهتر ، سریعتر ، و به موقع به بازار و رفع سایر نیازهای بخش کشاورزی

۱۴- گسترش بیمه محصولات کشاورزی (بخصوص محصولات

استراتژیک (

۱۵- حمایت از سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و رفع موانع از تسهیلات اعتباری و بانکی

۱۶- لزوم هماهنگی در قیمت‌گذاری محصولات مختلف کشاورزی - که متأسفانه عدم هماهنگی در گذشته باعث گردیده که زمینهای مزروعی، اغلب به زیرکشت محصولاتی رود که درآمد آنان بیشتر بوده است - سیاست صحیح قیمت‌گذاری محصولات و بهنگام بودن آن می‌تواند به عنوان ابزاری قدرتمند در ایجاد انگیزه در تولید بیشتر و جهت‌دادن تولیدات مختلف کشاورزی مورد استفاده قرار گیرد.

...۱۷-

و درخاتمه باید لزوم تهیه آمار دقیقتر و جامع‌تر، را (بخصوص در بخش کشاورزی) متذکر گردید زیرا هرگونه تجزیه و تحلیل از تاریخ گذشته تحولات کشاورزی، و برنامه‌ریزی جهت آینده، براساس آمار موجود شکل می‌گیرد، و تا زمانی که این آمار از کیفیت و جامعیت بالایی برخوردار نباشند، این نوع تجزیه و تحلیل در برنامه‌ریزی‌ها نمی‌تواند با واقعیات قرین باشد.

جدول شماره ۱- مقدار و مساحت بهره‌برداری ها بر حسب طبقات بهره‌برداری در سالهای مختلف واحد: ۱۰۰۰ بهره‌بردار / ۱۰۰ هکتار /

۱۳۵۴				طبقات بهره‌برداری
درصد بهره‌بردار	مساحت بهره‌برداری	درصد	تعداد بهره‌بردار	
۱۰۰	۱۵۷۰۹	۱۰۰	۲۵۰۰	جمع بهره‌برداری های با زمین
۴/۹	۷۴۳	۴۵/۰	۱۱۲۵	بهره‌برداری های کمتر از ۲ هکتار
۲۸/۹	۴۵۴۱	۳۷/۲	۹۳۱	بهره‌برداری های ۲ تا کمتر از ۱۰ هکتار
۴۵/۸	۷۲۰۳	۱۶/۸	۴۱۹	بهره‌برداری های ۱۰ تا کمتر از ۵ هکتار
۲۰/۴	۳۲۰۲	۱/۰	۲۵	بهره‌برداری های ۵۰ هکتار و بیشتر
۱۳۶۱				طبقات بهره‌برداری
درصد بهره‌بردار	مساحت بهره‌برداری	درصد	تعداد بهره‌بردار	
۱۰۰	۱۳۰۷۶	۱۰۰	۲۶۵۶	جمع بهره‌برداری های با زمین
۶/۶	۸۵۹	۴۷/۰	۱۲۶۹	بهره‌برداری های کمتر از ۲ هکتار
۳۶/۷	۴۷۹۹	۳۸/۸	۱۰۳۲	بهره‌برداری های ۲ تا کمتر از ۱۰ هکتار
۴۳/۵	۵۶۹۴	۱۲/۸	۳۳۹	بهره‌برداری های ۱۰ تا کمتر از ۵ هکتار
۱۳/۲	۱۷۲۷	۰/۶	۱۶	بهره‌برداری های ۵۰ هکتار و بیشتر

مأخذ: با استفاده از مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری های کشاورزی روستایی سالهای ۱۳۵۴ و ۱۳۶۱. (تهران: مرکز آمار ایران، سالهای

۱۳۵۵ - ۱۳۶۴).

۲: آمار، استانهای آذربایجان غربی و کردستان را شامل نمی‌شود.

جدول شماره ۲- مقایسه مقدار و مساحت بهره‌برداری های بیش از ۵۰ هکتار در سالهای ۱۳۳۹ و ۱۳۵۴

تفاوت یا تغییرات	۱۳۵۴	۱۳۳۹	سال
	۲۵ هزار	۱۳ هزار بهره‌بردار	مقدار بهره‌برداری های بیش از ۵۰ هکتار
-	۱/۰ درصد	۰/۷ درصد	درصد بهره‌برداری های بیش از ۵۰ هکتار
-	۳۲۰۲ هزار هکتار	۱۵۵۵ هزار هکتار	مساحت بهره‌برداری های بیش از ۵۰ هکتار
بیش از دو برابر	۲۰/۴	۱۳/۷ هزار هکتار	درصد مساحت بهره‌برداری های بیش از ۵۰ هکتار

مأخذ: با استفاده از مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری کشاورزی روستایی سالهای مختلف. (تهران: مرکز آمار ایران، سالهای مختلف).

دول شماره ۳- مقایسه درآمد تولید محصولات مهم کشاورزی در بهره‌برداری کوچک ، نسبتاً " بزرگ و بزرگ در سال ۱۳۶۱
واحد: درآمد

چغندر قند	پنبه	حبوبات	ثلثوک (برنج)	جو	گندم	نوع محصول طبقات بهره‌برداری
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع
۴۱/۰	۴۵/۲	۵۷/۰	۹۲/۹	۴۵/۲	۴۸/۸	بهره‌برداری های کوچک تا ۱۰ هکتاری
۴۱/۸	۴۲/۳	۳۸/۵	۴/۵	۴۵/۱	۴۲/۲	بهره‌برداری های نسبتاً "بزرگ" (از ۱۰ تا ۱۰۰ هکتاری)
۱۷/۲	۱۱/۵	۴/۵	۱/۶	۹/۶	۹/۰	بهره‌برداری های بزرگ بیش از ۱۰۰ هکتاری

آخذ: با استفاده از: مرکز آمار ایران ، نتایج آمارگیری کشاورزی روستایی ۱۳۶۱، (تهران : مرکز آمار ایران ۱۳۶۲) .

جدول شماره ۴- وسعت اراضی و میزان سطح زیرکشت آبی و دیم سالیانه کشور
واحد: میلیون هکتار

شرح طبقه‌بندی اراضی	اراضی مساعد	اراضی نیمه‌مساعد	اراضی نامساعد	جمع کل اراضی
وسعت اراضی	۲۲	۱۹	۱۱۴	۱۶۵
جمع زیرکشت و آیش	۱۵/۲۰	۰/۹	۲/۴	۱۸/۵
زیرکشت آبی	۳/۱۰	۰/۹	۱/۲	۵/۲
زیرکشت آیش آبی	۲	-	-	۲
زیرکشت دیم	۴/۱	-	۱/۲	۵/۳
زیرکشت آیش دیم	۶	-	-	۶

مأخذ: با استفاده از: وزارت کشاورزی ، برنامه پنج‌ساله توسعه کشاورزی
۶۶ - ۱۳۶۲ ، (تهران : وزارت کشاورزی ، ۱۳۶۱) .

واحد: میلیون هکتار

ردیف	شرح	مساحت	درصد
۱	کل اراضی کشور	۱۶۵	۱۰۰
۲	کل مراتع کشور:	۹۰	۵۴/۵
۲/۱	مراتع خوب تا متوسط	(۱۴)	(۸/۵)
۲/۲	مراتع متوسط تا فقیر	(۶۰)	(۳۶/۳)
۲/۳	مراتع خیلی فقیر	(۱۶)	(۹/۷)
۳	کل جنگلهای کشور	۱/۸	۱/۱
۳/۱	جنگلهای تجاری	(۱/۴)	(۰/۸)
۳/۲	جنگلهای غیرتجاری	(۰/۴)	(۰/۳)

مأخذ: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سال ۱۳۶۳، (تهران، مرکز آمار ایران، ۱۳۶۴).

جدول شماره ۶ - برآورد آبهای سطحی و زیرزمینی و توزیع آن در کشور
واحد: میلیون مترمکعب

ردیف	عنوان	حجم آب
۱	برآورد آبهای سطحی و زیرزمینی	۴۰۰ تا ۴۶۰
۲	برآورد آبهای زیرزمینی	۳۵ تا ۴۰
۳	برآورد آبهای سطحی	۱۴۵ تا ۱۷۲
۴	برآورد آبهای قابل دسترسی	۱۰۵ تا ۱۲۰
۵	جمع آبهای قابل استحصال در حال حاضر	۵۹
۵/۱	معارف کشاورزی	(۵۶/۵)
۵/۲	معارف صنعتی	(۱)
۵/۳	معارف خانگی	(۱/۵)

مأخذ: ۱- جهاد سازندگی، نشریه جهاد سازندگی شماره ۷۰ (تهران: جهاد سازندگی، ۱۳۶۳).

۲- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سال ۱۳۶۴، (تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۶۵).

۳- وزارت برنامه و بودجه، جمعیت، منابع و توسعه در ایران (تهران: وزارت برنامه و بودجه، ۱۳۶۴).

جدول شماره ۱۰۰ صادرات، واردات، موازنه و سهم کشاورزی در صادرات غیر نفتی
واحد: میلیارد ریال / درص

سال	واردات	صادرات	موازنه	شاخص	تغییرات	سهم در صادرات غیر نفتی
۱۳۵۳	۸۲/۸	۱۶/۹	-۶۵/۹	۱۰۰	-	۴۳/۱۱
۱۳۵۴	۱۲۹/۵	۲۰/۹	-۱۰۱/۶	۱۵۴/۲	۵۴/۲	۵۱/۳
۱۳۵۵	۱۰۲/۷	۲۰/۰	-۸۲/۷	۱۲۵/۵	-۱۸/۶	۵۲/۶
۱۳۵۶	۱۳۱/۰	۲۱/-	-۱۱۰/۰	۱۶۶/۹	۳۳	۴۷/۷
۱۳۵۷	۹۳/۶	۱۷/۷	-۷۵/۹	۱۱۵/۲	-۳۱	۴۴/۸
۱۳۵۸	۱۳۱/۷	۱۹/۶	-۱۱۲/۱	۱۷۰/۱	۴۷/۷	۳۴/۳
۱۳۵۹	۱۲۱/۷	۱۱/۶	-۱۱۰/۱	۱۶۷/۰	-۱/۸	۲۵/۳
۱۳۶۰	۲۰۱/۶	۱۲/۲	-۱۸۹/۴	۲۸۷/۴	۷۲	۴۵/۲
۱۳۶۱	۲۰۸/۰	۱۷/۴	-۱۹۰/۶	۲۸۹/۲	-۰/۶	۷۳/۱
۱۳۶۲	۲۴۰/۱	۱۷/۱	-۲۲۳/۰	۳۳۸/۴	۱۷	۵۵/۱
۱۳۶۳	۲۴۰/۵	۱۸/۰	-۲۲۲/۵	۳۳۷/۶	-۲	۵۴/۵
۱۳۶۴	۱۵۵/۹*	۲۰/۹	-۱۳۵	۲۰۴/۹	-۳۹/۳	۵۱/۲
۱۳۶۵	۹۲/۶*	۲۸/۶	-۶۴	۹۷/۱	-۵۲/۶	۴۰/۸
۱۳۶۶	-	-	-	-	-	-
۱۳۶۷	-	-	-	-	-	-

مأخذ: با استفاده از:

- الف- وزارت کشاورزی، تحقیق پیرامون اوضاع اقتصاد کشاورزی کشور سالهای مختلف، (تهران: وزارت کشاورزی سالهای مختلف).
- ب- موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، "ماهنامه بررسیهای بازرگانی شماره ۶" (تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۶۶).
- *- واردات حدود ۹ درصد محصولات غذایی و کشاورزی راشامل می گردد و لذیذ بایستی حداکثر ۱۰ درصد به ارقام فوق اضافه گردد.

مبادلات تجاری	کشورها	مهمترین کشورهای طرف تجاری قبل	مهمترین کشورهای طرف تجاری پس از انقلاب اسلامی
		از انقلاب اسلامی	از انقلاب اسلامی
کشورهای کشاورزی	الف - درمادران خشکبار	۱- پسته	۱- آمریکا، عراق، چکسلواکی، کویت، اسرائیل، آلمان غربی
	۲- خرما	۲- آمریکا، شوروی، افریقای جنوبی، انگلستان	۲- آلمان غربی، کویت، ژاپن، سوریه، چکسلواکی
	ب - مالمبور و روده	۱- سوئد	۱- ایتالیا، شوروی، آمریکا، آلمان غربی، چکسلواکی
	۲- روده	۲- آلمان غربی، سوئیس، ژاپن، فرانسه	۲- آلمان غربی، سوئیس، فرانسه، امارات متحده عربی، انگلستان
کشورهای دامپروری	ج - فرش	۱- آمریکا، انگلستان	۱- ایتالیا، شوروی، آلمان غربی، سوئیس، ایتالیا
	د - فرآورده‌های شیلات	۱- آمریکا، کشورهای حوضه خلیج فارس	۱- شوروی، امارات متحده عربی، آلمان غربی، ژاپن، فرانسه
	ه - گیاهان دارویی	۱- زیره	۱- آمریکا، اسرائیل، مجارستان، ژاپن، سنگاپور
	۲- کتیرا	۲- آلمان غربی، شوروی، سوئیس، اتریش، فرانسه	۲- آلمان غربی، سوئیس، اتریش، فرانسه، هلند
کشورهای صنعتی	۳- ریشمه	۳- آلمان غربی، آمریکا، انگلستان	۳- آلمان غربی، فرانسه، ایتالیا، ترکیه، کویت
	بیمان	۳- آمریکا، انگلستان، آلمان غربی	۳- آلمان غربی، فرانسه، ایتالیا، ترکیه، کویت
	الف - درمادران غلات	۱- گندم	۱- آمریکا، پاکستان، رومانی، استرالیا
	۲- جو	۲- آمریکا، کانادا، استرالیا، افریقای جنوبی	۲- فرانسه، کانادا، استرالیا، ترکیه، سوریه، انگلستان
کشورهای دامپروری	۳- برنج	۳- آمریکا، پاکستان، تایلند، دومی	۳- پاکستان، تایلند، امارات متحده عربی، اروگوئه
	ب - درمادران گوشت	۱- گوشت قرمز	۱- استرالیا، رومانی، زلاندنو، ترکیه، آلمان غربی
	۲- گوشت مرغ	۲- هلند، آلمان غربی، آمریکا	۲- هلند، آلمان غربی، آمریکا
	ج - ماهی کالاهنا	۱- توتون	۱- آمریکا، انگلستان، سوئیس
کشورهای صنعتی	۲- علوفه	۲- مجارستان، لهستان، هلند، آمریکا، انگلیس	۲- مجارستان، لهستان، سوئیس، آلمان غربی

ماخذ: با استفاده از: گمرک ایران، آماربازگانی خارجی ایران، سالهای مختلف (تهران: گمرک ایران، سالهای مختلف).

- ۱- انتشارات آگاه ، مسائل ارضی و دهقانی ، تهران ، انتشارات آگاه ، ۱۳۶۱ .
- ۲- بانک مرکزی ایران ، گزارش سالانه و ترازنامه سال ۱۳۵۱ ، تهران ، بانک مرکزی ایران ، ۱۳۵۲ .
- ۳- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ، اداره بررسیهای اقتصادی .
- ۴- ستاد مرکزی و هیئت های هفت نفره واگذاری زمین ، نگرشی بر مسئله زمین و فعالیتهای هیئت های هفت نفره واگذاری زمین تهران: ستاد مرکزی هیئت های هفت نفره ، ۱۳۶۶ .
- ۵- سازمان اموراداری و استخدامی کشور ، شناخت و ویژگیهای بخش کشاورزی و تعیین مبانی و اصول حاکم بر سازماندهی آن ، تهران : سازمان اموراستخدامی کشور ، ۱۳۶۵ .
- ۶- گمرک ایران ، آماربازرگانی خارجی ایران ، سالهای مختلف ، تهران : گمرک ایران ، سالهای مختلف .
- ۷- موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی ، مجموعه بررسیهای بازرگانی داخلی ایران ، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی ، ۱۳۶۶ .
- ۸- مرکز آمار ایران ، سالنامه آماری سال ۱۳۶۳ ، تهران : مرکز آمار ایران ، ۱۳۶۴ .
- ۹- مرکز آمار ایران ، سالنامه آماری سال ۱۳۶۴ ، تهران : مرکز آمار ایران ، ۱۳۶۵ .
- ۱۰- مرکز آمار ایران ، نتایج آمارگیریهای کشاورزی روستایی سالهای ۱۳۵۴ و ۱۳۶۱ ، تهران : مرکز آمار ایران ، سالهای ۱۳۵۵ - ۱۳۶۳ .
- ۱۱- وزارت کشاورزی ، اداره کل آمار و اطلاعات کشاورزی
- ۱۲- وزارت کشاورزی ، تحقیق پیرامون اوضاع اقتصادی کشاورزی

درسالهای مختلف ، تهران : وزارت کشاورزی ، سالهای مختلف .

۱۳- وزارت کشاورزی ، برنامه پنجساله توسعه کشاورزی ۶۶-۱۳۶۲ ،
تهران : وزارت کشاورزی ، ۱۳۶۱ .

۱۴- وزارت جهاد سازندگی ، نشریه جهاد سازندگی شماره ۷۰ ، تهران :
جهادسازندگی ، ۱۳۶۳ .

۱۵- وزارت برنامه و بودجه ، جمعیت ، منابع و توسعه در ایران ،
تهران : وزارت برنامه و بودجه ، ۱۳۶۴ .

چاپ دوم

سوره

از سری انتشارات "بررسی مسائل کشور" شماره ۴ در بخش ۳۶۸ صورت گرفته است.
در بخشهای مختلف این گزارش تاریخچه سیاسی، اوضاع اقتصادی، انرژی و
روابط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور سوریه با جمهوری اسلامی ایران مورد
بحث قرار گرفته است.